آنارشیست‌های بین‌المللی علیه ایتالیا

محمود فاضلی
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

اعتصاب غذای آلفردو کوسپیتو، زندانی آنارشیست ایتالیایی که از اکتبر سال ۲۰۲۲ علیه قوانین زندان آغاز شده، به یک بحران داخلی این کشور تبدیل شده است. او که به اتهام تروریسم در زندان میلان محبوس است، از طریق وکیل‌مدافع خود به وزارت دادگستری اعلام کرد در صورت بیهوش‌شدن بر اثر اعتصاب غذا، هیچ‌کس اجازه ندارد وی را با سرم تغذیه کند. این زندانی ۵۵ساله به اتهام تروریسم، در زندان اصرار دارد تا بتواند از خدمات پزشکی ویژه‌ای که در این زندان وجود دارد، استفاده کند. کاسپیتو اخیرا از زندانی در «ساردینیا» به زندانی در میلان با زیرساخت‌های بهداشتی بهتر منتقل شد. کاسپیتو تاکنون بیش از ۴۰ کیلوگرم کاهش وزن داشته و طبق گزارش‌ها بسیار ضعیف شده و با خوردن آب، شکر و عسل زنده مانده است. کاسپیتو در می سال گذشته پس از نوشتن مقاله‌ای از داخل زندان، تحت این شرایط سخت قرار گرفت. وی در این مقاله از دوستان آنارشیست خود خواسته بود به تلاش‌های مسلحانه خود ادامه دهند. او به ۳۰ سال حبس محکوم شده، اما دادستان‌ها برای او خواستار حبس ابد بدون امکان عفو شده بودند. وی در حال گذراندن دوران محکومیت خود برای تیراندازی غیرکشنده به یک مدیر انرژی هسته‌ای در سال ۲۰۱۲ و یک حمله بمب‌گذاری به آکادمی پلیس در سال ۲۰۱۶ است که هیچ مجروحی در پی نداشت. اگرچه دولت جناح راست جورجیا ملونی (نخست‌وزیر ایتالیا) تسهیل شرایط حبس کاسپیتو را رد کرده و تاکید دارد که نمی‌تواند در برابر تهدیدات یا اقدامات تروریستی تسلیم شود، اما تنش در پارلمان بر سر پرونده این زندانی آنارشیست همچنان بالاست. به نظر می‌رسد جناح اپوزیسیون رویکرد دوگانه‌ای در پیش گرفته و درحالی‌که احزاب دموکرات، پنج ستاره و ائتلاف چپ و سبزهای ایتالیا شدیدا به دولت و حزب برادران ایتالیا تاخته و در اعتراض به سخنان وزیر دادگستری صحن سنا را ترک کردند، سناتورهای قطب سوم در جای خود باقی ماندند و به انتقاد از دولت اکتفا کردند. کارلو نوردیو، وزیر دادگستری، در مجلس نمایندگان و مجلس سنا حضور یافت تا توضیح دهد که جووانی دونزلی، نماینده حزب برادران ایتالیا و عضو کمیسیون پارلمانی امنیت جمهوری ایتالیا، چگونه به شنودهای محرمانه محیطی در زندان بین آلفردو کوسپیتو و دو نفر از سران مافیا دسترسی داشته است. در این شنودهای محرمانه که در اختیار وزارت دادگستری قرار دارد، کوسپیتو و اعضای مافیا علیه قانون زندان سخت موسوم به «۴۱» یا «سیستم حبس دشوار» صحبت می‌کنند. این ماده که معمولا برای رؤسای گروه‌های مافیا به کار می‌رود، به منظور جلوگیری از ارتباط زندانیان با افراد وابسته در خارج از زندان وضع شده است. در پایان سخنرانی نوردیو، جنبش پنج ستاره و حزب دموکرات و ائتلاف چپ - سبزها خواستار استعفای معاون وزیر دادگستری، آندره آ دلماسترو (حزب برادران ایتالیا) شدند. معاون وزیر اذعان کرده محتوای شنودها را در جریان گفت‌وگوهای دوستانه با دونزلی، هم‌حزبی خود، مطرح کرده است. احزاب اپوزیسیون همچنین بار دیگر بر درخواست خود برای استعفای جووانی دونزلی از عضویت در کمیسیون پارلمانی امنیت جمهوری ایتالیا به دلیل افشای اطلاعات طبقه‌بندی‌شده در صحن علنی مجلس تأکید دارند. تهاجم گروه‌های آنارشیستی تعدادی از کشورها علیه دولت ایتالیا در ارتباط با آلفردو کوسپیتو، متوقف نشده است. پس از آتش‌زدن خودروی دیپلمات ایتالیایی در برلین و شکستن پنجره سرکنسولگری ایتالیا در بارسلون و رنگ‌پاشی به دیوار آن در میلان، خودروی پلیس در رم و پنج خودروی شرکت مخابرات TIM نیز با کوکتل‌مولوتف به آتش کشیده شد.

اخیرا سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها یا مراکز فرهنگی ایتالیا در بولیوی، شیلی، آرژانتین، برزیل، اسپانیا، آلمان و سوئیس هدف قرار گرفته‌اند که آخرین نمونه آن حمله به دیپلمات‌ها و اماکن دیپلماتیک این کشور در آلمان و اسپانیا بود. افراد ناشناس پس از شکستن پنجره ساختمان سرکنسولگری ایتالیا در بارسلون، دیوار ورودی ساختمان را رنگ‌پاشی کردند و به صورت هم‌زمان، خودروی یکی از کارمندان شاغل در سفارت ایتالیا در برلین به آتش کشیده شد. آنارشیست‌ها همچنین مسئولیت انفجار در سفارتخانه‌های شیلی و سوئیس در رم را که به زخمی‌شدن دو نفر منجر شد، بر عهده گرفتند. بسیاری معتقدند این اقدام توسط جنبش‌های آنارشیستی صورت گرفته که با آنارشیست‌های زندانی در زندان‌های سوئیس ارتباط دارند. دولت ایتالیا این موارد جدید خشونت علیه نمایندگی‌های دیپلماتیک را با نگرانی و توجه دنبال می‌کند. در دسامبر سال گذشته، یک گروه آنارشیست یونانی مسئولیت آتش‌زدن در مقابل خانه یک دیپلمات ایتالیایی را بر عهده گرفته و تأکید داشتند که این اقدام برای نشان‌دادن همبستگی با کاسپیتو انجام شده است. آنارشیست‌های یونان نیز در سال‌های اخیر متهم‌اند در پاره‌ای از حملات به اتومبیل‌های شرکت‌های بزرگ بین‌المللی، بانک‌ها (به‌عنوان نمادهای ضد مردمی و نظام سرمایه‌داری) و همچنین چند سفارتخانه خارجی نقش داشته‌اند.

وزیر امور خارجه ایتالیا تأکید دارد «سفارتخانه‌های ایتالیا در سراسر جهان با خطر حملات آنارشیستی مرتبط با پرونده «آلفردو کاسپیتو» مواجه هستند. ما سطح امنیتی در تمامی سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌هایمان را بالا برده‌ایم؛ چراکه در حال حاضر آنارشیست‌های بین‌المللی علیه ایتالیا بسیج شده‌اند».

در گفت‌وگو با با روبن واردانیان، وزیر کشور دولت آرتساخ مطرح شد

ایران برای صلح قفقاز سیاست فعال‌تری داشته باشد

جمهوری آذربایجان و ترکیه به دنبال اشغال هر دو منطقه آرتساخ و سیونیک هستند

احسان موحدیان

نزدیک به دو ماه است که شبه‌نظامیان وابسته به دولت علی‌اف با مسدودکردن تنها جاده ارتباطی میان ارمنستان و آرتساخ (قره‌باغ کوهستانی) مانع از دسترسی ارامنه ساکن این منطقه به بدیهی‌ترین نیازهای حیاتی خود شده‌اند. قطع مکرر برق و گاز از طرف دولت باکو نیز به مشکلات مردم آرتساخ افزوده است. سرنوشت این محاصره ارتباطی مستقیم و حیاتی با منافع ملی ایران در قفقاز دارد. علی‌اف در جریان این اقدام از حمایت مستقیم رژیم صهیونیستی، انگلیس و ترکیه برخوردار است و چنانچه در تحمیل این شرایط ضدانسانی به ۱۲۰ هزار نفر شهروند آرتساخ موفق شده و این منطقه را از ارامنه خالی کند، یک منطقه دیگر در نزدیکی نوار مرزی ایران و باکو به منطقه نفوذ نیروهای تکفیری، وهابی و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی وابسته به رژیم صهیونیستی مبدل شده و تهدید و اشغال استان سیونیک در جنوب ارمنستان که هم‌مرز با ایران است، برای علی‌اف ساده‌تر می‌شود؛ بنابراین دولت باکو راحت‌تر می‌تواند برای اشغال این منطقه، ازبین‌بردن مرز ایران با ارمنستان، تکمیل دالان تورانی ناتو و حذف ایران از مسیرهای مهم کریدوری انتقال کالا و انرژی و در نهایت بازکردن پای ناتو و تجزیه‌طلبان و اسرائیل به قفقاز و آسیای میانه برنامه‌ریزی کند. با توجه به این شرایط، کسب اطلاع از شرایط بحرانی آرتساخ و تحلیل عالی‌ترین مقام حاضر در این منطقه روبن واردانیان، وزیر کشور دولت آرتساخ از اهمیت انکارناپذیری برخوردار است. این اولین مصاحبه او با یک رسانه ایرانی محسوب می‌شود که حاوی ظرایف و نکات فراوانی برای تحلیلگران منطقه قفقاز و فعالان دستگاه سیاست خارجی ایران است. این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم.

◆ لطفا آخرین وضعیت آرتساخ را شرح دهید. چگونه مردم در این شرایط که تحت محاصره باکو هستند، زنده می‌مانند و برنامه شما برای کمک به مردم برای مقاومت بیشتر چیست؟

وضعیت بسیار نزدیک به یک بحران انسانی است. ما با کمبود شدید غذا، دارو و سایر نیازمندی‌ها مواجه هستیم. کریدور ارتباطی آرتساخ با جهان خارج که به آن جاده زندگی نیز می‌گوییم، از ۵۵ روز پیش بسته شده است. علاوه بر مشکل محاصره، جمهوری آذربایجان همچنان موانع جدی برای تأمین گاز و برقی که از ارمنستان به آرتساخ ارسال می‌شود، ایجاد می‌کند؛ بنابراین دولت باکو تمام اقدامات ممکن و حتی غیرممکن را برای وادارکردن ارامنه آرتساخ به ترک وطن خود انجام می‌دهد. خود علی‌اف گفته است: «راه برای کسانی که می‌خواهند بروند؛ باز است...».

به‌عنوان وزیر کشور، من با افراد زیادی که سعی در کاهش تأثیر محاصره داشتند، بحث‌ها و رایزنی‌های زیادی انجام داده‌ام. ما چندین برنامه را برای تحقق این اهداف پیشنهاد کرده‌ایم. ما همچنین از جامعه بین‌المللی درخواست کرده‌ایم تا یک سازوکار واکنش بشردوستانه برای اتصال آرتساخ به جهان خارج برای اهداف بشردوستانه ایجاد شود؛ اما متأسفانه شرایط بسیار سخت است. با این حال، من از اراده قوی و مقاومت مردم‌مان در شگفتم. آنها آماده تحمل همه مشکلات هستند و نمی‌خواهند وطن خود را که از هزاران سال پیش در آن زندگی کرده‌اند، ترک کنند. من مطمئن هستم که دولت باکو انتظار چنین مقاومتی را از آرتساخ نداشته است. آنها فکر می‌کردند که اراده مردم را در جنگ ۲۰۲۰ شکستند؛ اما چنین چیزی رخ نداد. مردم اینجا بسیار قوی‌تر از آن چیزی هستند که دیگران فکر می‌کنند. هدف از بستن جاده ارتباطی آرتساخ تنها یک چیز است: خالی‌کردن آرتساخ از سکنه. جهان باید درک کند که این فقط یک فاجعه انسانی نیست؛ بلکه اقداماتی است که به نوبه خود به نسل‌کشی منجر می‌شود تا آرتساخ بدون ارامنه باشد.

◆ عملکرد نیروهای حافظ صلح روسیه در دفاع از آرتساخ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا آنها به وظایف خود عمل می‌کنند؟

نیروهای حافظ صلح روسیه در اینجا مأموریت بسیار محدودی دارند. البته ما از آنها می‌خواهیم که باکو را به طور رسمی مجبور کنند که کریدور را باز کند؛ اما به نظر می‌رسد شرایط ژئوپلیتیک منطقه‌ای این اجازه را به روسیه نمی‌دهد. من فکر می‌کنم که ما بیش از حد روی نیروهای حافظ صلح تمرکز می‌کنیم و در اینجا به یک راه‌حل سیاسی نیاز داریم. روسیه میانجی اصلی و همچنین ضامن بیانیه سه‌جانبه ۹ نوامبر است؛ اما متأسفانه روس‌ها در مقطع فعلی فاقد اهرم مناسب برای اعمال فشار بر جمهوری آذربایجان هستند که البته این مسئله شرایط را پیچیده می‌کند.

همچنین برای ما مهم است که جامعه بین‌المللی به‌صراحت اعلام کند درحال‌حاضر تضمین امنیت آرتساخ بدون حضور نیروهای حافظ صلح غیرممکن است و تنها با تضمین امنیت بین‌المللی می‌توان درمورد مسائل آرتساخ و جمهوری آذربایجان که در همسایگی آرتساخ زندگی می‌کند، صحبت کرد.

◆ به نظر شما، نقاط قوت و ضعف سیاست روسیه در قفقاز، به‌ویژه در رابطه با ارمنستان و قفقاز چیست؟

اگرچه روسیه متحد طبیعی ارمنستان است؛ اما همکاری نزدیک روسیه با ترکیه و جمهوری آذربایجان- در پس‌زمینه سیاسی نفرت این دو کشور از ارامنه - توازن قوا در منطقه را به طور درخورتوجهی تغییر می‌دهد. بدیهی است که ترکیه منحصرا حافظ منافع جمهوری آذربایجان است که استقرار صلح در منطقه را تهدید می‌کند. در این زمینه، موضع صریح ایران را با هدف برقراری صلح در منطقه مهم می‌دانم و درعین‌حال از ایران به‌عنوان کشوری دوست انتظار سیاست فعال‌تری را در منطقه دارم.

این یک واقعیت است که آرتساخ در حال تبدیل‌شدن به یک موضوع مهم در منطقه است و حتی به‌عنوان کشوری که به رسمیت شناخته نشده است، همچنان بر رویدادهای منطقه تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین ما آمادگی داریم درمورد اقدامات مشترک با هدف هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ابتدا با کشورهای منطقه گفت‌وگو کنیم.

◆ دولت باکو قصد دارد با ادامه مأموریت صلح‌بانان روسیه مخالفت کند و نیروهای نظامی ترکیه و ناتو را تا سال ۲۰۲۵ جایگزین روس‌ها کند. پیامدهای این رویداد برای ارمنستان و قفقاز چه خواهد بود؟

البته من اطلاعی ندارم که ناتو بخواهد در اینجا- منظورم به طور خاص در آرتساخ است - حضور داشته باشد؛ زیرا من تنها می‌توانم از طرف دولت خودم صحبت کنم. بدیهی است که اقدام جمهوری آذربایجان علیه نیروهای حافظ صلح روسیه بوده و با تبلیغات فعالانه ضد روسی در جمهوری آذربایجان همراه است. گمان می‌کنم باکو قصد دارد به طور رسمی از سال ۲۰۲۵ به بعد مانع تداوم مأموریت حفظ صلح روسیه در منطقه شود.

همان‌طورکه قبلا اشاره کردم، برای ما مهم است که ضمانت‌های امنیتی جامعه بین‌المللی را به وجود آوریم تا باکو اجازه نیابد سیاست پاک‌سازی قومی را ادامه دهد. تضادهای موجود بین غرب و روسیه و نیز غرب و ایران نباید مانعی برای تأمین امنیت آرتساخ باشد. از این رو، امیدوارم کشورهایی که دغدغه صلح واقعی در منطقه را دارند، از جمله کشور دوست ما ایران، تمام تلاش خود را برای تضمین طولانی‌مدت این مسئله در آرتساخ و کل منطقه به کار گیرند.

> علی‌اف فکر می‌کند همیشه بدون مجازات خواهد ماند که البته غیرقابل قبول است. اما این نه تنها برای آرتساخ، بلکه برای کل منطقه یک تهدید جدی است. او حتی گاهی ایران را با طرح ادعاهای سرزمینی و دیگر ادعاهای غیرموجه و کاملا بی‌اساس تهدید می‌کند. او و رژیمش باید درک کنند که این نوع رفتار عواقبی جدی برای آنها و شاید حتی برای کشورشان خواهد داشت

◆ چگونه می‌توان دولت علی‌اف را تحت فشار قرار داد تا رفتار و سیاست تجاوزکارانه خود در قبال آرتساخ را متوقف کند و به محاصره این منطقه پایان دهد؟

علی‌اف فکر می‌کند همیشه بدون مجازات خواهد ماند که البته غیرقابل قبول است. اما این نه تنها برای آرتساخ، بلکه برای کل منطقه یک تهدید جدی است. او حتی گاهی ایران را با طرح ادعاهای سرزمینی و دیگر ادعاهای غیرموجه و کاملا بی‌اساس تهدید می‌کند. او و رژیمش باید درک کنند که این نوع رفتار عواقبی جدی برای آنها و شاید حتی برای کشورشان خواهد داشت. جامعه جهانی همچنین مسئولیت سیاسی و اخلاقی برای جلوگیری از تشدید بحران و تضمین امنیت و حفاظت از مردم آرتساخ و برقراری صلح پایدار در منطقه را بر عهده دارد.

◆ آیا شما با این ایده موافق هستید که رژیم علی‌اف تنها در صورتی با پایان‌دادن به محاصره آرتساخ موافقت می‌کند که دولت ارمنستان با ایجاد و افتتاح کریدور به اصطلاح زنگه‌زور موافقت کند؟ به نظر شما پیامدهای چنین اتفاقی چیست؟

فکر نمی‌کنم این تصادفی باشد که رژیم باکو درست پس از رزمایش نظامی مشترک ترکیه و آذربایجان در امتداد مرز با ایران، کریدور لاچین را مسدود کرده است. آنها در حال بررسی واکنش ایران در مورد رویدادهای پیش‌رو بودند. آذربایجان و ترکیه جاه‌طلبی‌های نظامی فزاینده‌ای در منطقه دارند که برای همه کشورهای منطقه خطرناک است. برای رژیم باکو ابعاد این ماجرا محدود به تبادل آرتساخ و منطقه سیونیک ارمنستان در قالب یک تجارت نیست، آنها هر دو را می‌خواهند و اگر از آرتساخ عقب‌نشینی کنیم، دولت ارمنستان می‌تواند در قلمروی سیونیک بسیار آسیب‌پذیر باشد. بنابراین، مقاومت امروز آرتساخ برای دست‌نیافتنی‌کردن مرزهای هزاران‌ساله ایران و ارمنستان بسیار ضروری است. این امر مهم باید هم در ایروان و هم در تهران مورد تصدیق و توجه قرار بگیرد.

◆ سیاست جمهوری اسلامی ایران در قفقاز را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ ایران چگونه می‌تواند به پایان محاصره آرتساخ کمک کند؟

من درک می‌کنم که ایران رسما تلاش می‌کند در منطقه بی‌طرف بماند. با این حال ایران یک قدرت جدی در منطقه است. قرن‌ها همین‌طور بوده و ایران همیشه خود را در جایگاه بازیگر مهمی که نقش متعادل‌کننده‌ای ایفا می‌کند، قرار می‌دهد. باید تأکید کنیم که دوستی ارمنیان و ایرانیان سابقه‌ای هزاران‌ساله دارد و هرگز علیه کشورهای ثالث نبوده است. از نقش مهم ایران در ایجاد ملوک خمسه قره‌باغ از قرن شانزدهم تا هجدهم نباید غافل شویم. (مِلیک‌ها یا ملوک ارمنی، رهبران ارمنیانی بودند که در جنگ‌های شاه عباس با عثمانی‌ها به کمک او شتافتند و در کسب پیروزی وی نقش بسزایی داشتند. به پاس این جان‌فشانی‌ها و فداکاری‌ها بود که شاه عباس به آنها لقب مِلیک داد. حکومت ملیک‌ها بر ماورای قفقاز تا استیلای حکومت روسیه تزاری ادامه داشت). من می‌خواهم تأکید کنم که آرتساخ همیشه برای ایران اهمیت امنیتی داشته و تنها پس از تجاوز جمهوری آذربایجان به ارمنستان در سال ۲۰۲۰ بود که اسرائیل در نزدیکی مرزهای ایران ظاهر شد. این امر با کمک آذربایجان و ترکیه انجام شده است. بر این اساس، پس از اشغال این اراضی توسط آذربایجان، ایران با مشکلات امنیتی مواجه شد. بنابراین، ایران باید برای جلوگیری از تشدید مسائل امنیتی که می‌تواند برای کل منطقه فاجعه‌بار باشد، مشارکت سیاسی و نقش تثبیت‌کننده داشته باشد.

همچنین می‌خواهم سخنان مقام معظم رهبری ایران، آیت‌الله علی خامنه‌ای در زمان جنگ را یادآوری کنم که گفته بودند امنیت ارمنی‌هایی که در قره‌باغ زندگی می‌کنند باید حفظ شود. بنابراین، اطمینان دارم که ایران با درنظرگرفتن حفظ منافع عادلانه برای همه طرف‌ها، نقش خود را در برقراری صلح واقعی در منطقه فعالانه ایفا خواهد کرد.

◆ آیا با برگزاری مانور نظامی مشترک بین ایران و ارمنستان برای جلوگیری از تجاوزات علی‌اف به ارمنستان موافق هستید؟ به نظر شما این مانور چه زمانی و در کجا باید برگزار شود؟

من فقط از طرف آرتساخ می‌توانم صحبت کنم و به شما اطمینان می‌دهم که حفظ آرتساخ نقش مهمی برای تداوم امنیت ایران دارد و همچنین ایران نقش بزرگی به عنوان یک متعادل‌کننده در قفقاز جنوبی ایفا می‌کند.

◆ مردم عادی در آرتساخ چه نظری در مورد سیاست ایران، روسیه، ترکیه و بریتانیا دارند؟

ارامنه همواره نگرش مثبتی نسبت به ایران و مردم ایران داشته‌اند. ارمنیان و ایرانیان در زمینه بهره‌مندی از تاریخ، فرهنگ و تمدن باستانی دارای اشتراکاتی هستند. مردم آرتساخ مردم ایران را دوست خود نیز می‌دانند. دوستی چندصد ساله، به روزگار ما رسیده که نمونه‌های آن بسیار است. چند سال پیش، من خودم شروع به بازسازی مسجد ایرانی «گوهرآقا» در شوشی کردم که نماد دوستی فرهنگی و تمدنی چندصد ساله دو ملت نیز بود. حدود ۱۳۰ سال پیش، ترجمه ارمنی شاهنامه جاودانه فردوسی، یکی از ارکان فرهنگ و هویت ایرانی، در شهر باستانی ارمنستان شوشی که اکنون در اشغال آذربایجان است، منتشر شد که نشان می‌دهد تا چه اندازه ریشه‌های فرهنگی و احترام آرتساخ عمیق و تزلزل‌ناپذیر است و همچنین ملت ایران تا چه اندازه در آرتساخ مورد احترام هستند.

مردم اینجا درک می‌کنند که تغییر وضعیت موجود پس از جنگ ۴۴روزه آرتساخ مشکلات زیادی را برای امنیت ایران ایجاد کرد. البته نقش روسیه در منطقه بسیار مهم است. نیروهای حافظ صلح روسیه در حال حاضر در آرتساخ هستند و تلاش می‌کنند از تشدید تنش جلوگیری کنند. البته انتظارات مردم از روسیه بسیار بیشتر از آن چیزی است که روسیه در مرحله فعلی انجام می‌دهد. ترکیه بدون شک از سیاست تهاجمی و توسعه‌طلبانه آذربایجان حمایت می‌کند که البته با واکنش منفی مردم مواجه می‌شود. بریتانیا نیز خود را در کنار اسرائیل متحد جمهوری آذربایجان قرار داده که البته بر نگرش مردم ما تأثیر می‌گذارد.

در حوالی میدان سرخ

از سند عشق و دوستی تا روابطی خصمانه

احمد وخشیته
استاد دانشگاه دوستی ملل روسیه

می گویند نخستین معاهده‌ای که از توافق روسیه با دولت دیگری یافت شده، به سال ۸۶۰ میلادی بازمی‌گردد که پیمانی «درباره صلح و عشق» با امپراتوری بیزانس منعقد شده است. در واقع این رخداد، سنگ‌بنای آغاز روابط دیپلماتیک در روسیه باستانی است که البته نقطه عطف آن در سال ۸۳۸ شکل می‌گیرد که هیئتی از این کشور عازم قسطنطنیه می‌شوند تا ارتباط با بیزانس را جست‌وجو کنند.

چرا دهم فوریه در روسیه «روز دیپلمات» نام‌گذاری شده است؟

اگر تاریخ دیپلماسی در روسیه را ورق بزنیم، ظهور دستگاه سیاست خارجی به دوران ایوان واسیلیویچ (ایوان چهارم) بازمی‌گردد که اغلب ایرانیان او را با عنوان ایوان مخوف می‌شناسند؛ فردی که خود را تزار روسیه نامید؛ لقبی که تا سال ۱۹۱۷ فرمانروایان روسیه با این نام خطاب می‌شدند و تأکیدی بر فرمانروایی با قدرت نامحدود آنها بود. گفته می‌شود نخستین اسناد و مدارک مکتوب در ارتباط با ساختار دستگاه دیپلماسی در روسیه تزاری به دهم فوریه ۱۵۴۹ بازمی‌گردد؛ هنگامی که ایوان مخوف به ایوان میخائیلوویچ ویسکاواتیخ دستور می‌دهد موضوعاتی درخصوص تجارت روسیه را پیگیری کند. در واقع او نخستین فردی است که مشخصا هدایت سیاست خارجی در دوران روسیه تزاری را بر عهده می‌گیرد؛ فردی که معتمد ایوان مخوف بود و اولین کسی بود که ایده تزار نامیده‌شدن ایوان مخوف را مطرح کرد و تزار او را دیپلماتی ماهر در مهم‌ترین مسائل سیاست داخلی و خارجی می‌دانست؛ اما با وجود این در نهایت به خیانت متهم، دستگیر و اعدام شد. پس از ایوان ویسکاواتیخ، آندری واسیلیف مسئولیت رسیدگی به امور سفیران را بر عهده داشت. از سال ۲۰۰۲ با فرمان ولادیمیر پوتین، دهم فوریه با عنوان روز دیپلمات در تقویم فدراسیون روسیه نامیده می‌شود؛ روزی که به نظر می‌رسد ریشه آن به دهم فوریه ۱۵۴۹ یعنی پیدایش دستگاه دیپلماسی در روسیه تزاری بازمی‌گردد.

روند شکل‌گیری وزارت خارجه روسیه

بار دیگر اگر به نخستین دستگاه سیاست خارجی روسیه در دوران ایوان مخوف معطوف شویم که با نام «فرمان سفارتخانه‌ها» شکل گرفته بود، درمی‌یابیم که مشخصا بر ارسال سفیر و روابط با همسایگان نظیر سوئد و لهستان توجه بوده است. دستگاه دیپلماسی در دوران پتر کبیر میان سال‌های ۱۷۱۸ تا ۱۷۲۰ به «شورای امور خارجی» تغییر نام پیدا کرد و به دو بخش دفتر مخفی و دیپلماسی عمومی تقسیم شد. در سال ۱۷۹۶ یک بخش ویژه برای امور آسیایی نیز ایجاد شد. در نهایت در سال ۱۸۰۲ یعنی در دوران الکساندر اول، وزارت خارجه در روسیه تزاری تشکیل شد و کنت الکساندر ورونوسوف به عنوان اولین وزیر انتخاب شد که میان سال‌های ۱۸۰۲ تا ۱۸۰۴ سکان دیپلماسی را بر عهده داشت. تا پایان دوره تزاری، روسیه بیش از ۲۰۰ دفتر نمایندگی در دیگر کشورها افتتاح کرد و با ۴۷ کشور روابط دیپلماتیک داشت. اما پس از انقلاب ۱۹۱۷ و برپایی اتحاد جماهیر شوروی، به موجب فرمان دومین کنگره در هشتم نوامبر ۱۹۱۷، بار دیگر دستگاه دیپلماسی روسیه تغییر نام داد و به «کمیساریای خلق برای امور خارجه» شهرت یافت و لئون تروتسکی هدایت آن را بر عهده گرفت. در دهه ۱۹۲۰ کمیساریای خلق برای امور خارجی تلاش بسیاری برای خارج‌کردن شوروی از انزوای سیاسی انجام می‌دهد و به دنبال آن در سال ۱۹۲۴ دومینوی به رسمیت شناختن اتحاد جماهیر شوروی آغاز و روابط دیپلماتیک با بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، نروژ، اتریش، سوئد، یونان، دانمارک، ژاپن، چین و مکزیک برقرار می‌شود. روابط با شرق نیز توسعه می‌یابد و قراردادهایی با افغانستان، ترکیه و ایران منعقد می‌شود و در سال ۱۹۲۵ روابط دیپلماتیک با ۲۲ کشور وجود داشته است. در مارس ۱۹۴۶ «کمیساریای خلق برای امور خارجه» به نام سابق خود یعنی وزارت امور خارجه تغییر نام می‌دهد. جالب است که ۲۸ سال از دوران شوروی یعنی از فوریه ۱۹۵۷ تا جولای ۱۹۸۵ تنها یک نفر، یعنی آندری گرومیکو، دیپلمات برجسته شوروی ریاست دستگاه دیپلماسی را بر عهده داشته و حالا سرگئی لاوروف ۱۹ سال است که وزیر خارجه روسیه است. وزارت خارجه روسیه اکنون ۱۲ هزار کارمند دارد و با ۱۹۱ کشور روابط دیپلماتیک دارد و سفارتخانه‌های ۱۵۱ کشور نیز در مسکو دایر هستند. اما امسال روز دیپلمات در حالی در روسیه برگزار شد که به واسطه بحران اوکراین، روابط بسیار تاریک دیپلماتیکی با غرب در مقابل روسیه قرار دارد و اگرچه نخستین معاهده خارجی از سند عشق و دوستی با بیزانس سخن می‌گوید، اما امروز بدون هیچ تردیدی روابط خصمانه میان روسیه و ناتو آشکار است؛ قطب‌بندی‌هایی که در پیام امسال وزارت خارجه روسیه به مناسب روز دیپلمات نیز می‌توان دریافت. در عین حال، توجه به دیپلمات بزرگ روس یعنی الکساندر گورچاکوف نیز وجود دارد؛ فردی که سهم بزرگی در احیای اعتبار بین‌المللی و موقعیت روسیه در عرصه بین‌المللی و موقعیت روسیه در عرصه اروپا پس از جنگ کریمه در اواسط قرن نوزدهم دارد.